

بررسی فقهی سرقت رایانه‌ای (اینترنتی) با رویکردی بر نظر امام خمینی (س)

سید محمد موسوی بجنوردی^۱

مریم بنی هاشمی^۲

چکیده: همه‌گیر شدن استفاده از رایانه و شبکه جهانی اینترنت در کمتر از نیم قرن، جهان را با پدیده‌ای به نام جرایم رایانه‌ای به‌طور عام و سرقت رایانه‌ای به‌طور خاص مواجه نموده که از لحاظ امنیتی می‌تواند بسیار خطرآفرین باشد. لذا ما در این مقاله از نظر فقهی به این بزه پرداختیم و بعد از تشریح عمل مجرمان به مقایسه آن و سرقت حدی پرداخته و به این نتیجه رسیدیم که علی‌رغم اینکه حد قطع انگشتان سارق از لحاظ بازدارندگی، می‌تواند ایده خوبی برای مجازات دزدان اینترنتی باشد؛ اما از آنجایی که در موارد زیادی در این نوع از دزدی شبهاتی وجود دارد از باب قاعده درءالحد نمی‌توان این حد را در مورد این مجرمان جاری نمود.

کلیدواژه‌ها: جرایم رایانه‌ای، حرز، سرقت اینترنتی، درءالحد، حد سرقت.

مقدمه

سرقت رایانه‌ای از جمله عناوینی است که این روزها در روزنامه‌ها و مجلات و سایت‌ها زیاد به چشم می‌خورد و درصدی از بزه‌کاری‌های نوین را شامل می‌گردد. البته آنچه با عنوان سرقت اینترنتی یا رایانه‌ای به آن پرداخته می‌شود نوعاً اسم عامی است برای هر نوع جابه‌جایی اطلاعات که گستره وسیعی از جرایم را در خود جای می‌دهد که قطعاً در این مقاله مورد نظر نیست. اما آنچه در این مقاله در پی بررسی آن هستیم نوع خاصی از جابه‌جایی اطلاعات و داده‌هاست که به

۱. استاد گروه فقه و مبانی حقوق و مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (ترتیب معلم)
e-mail: mosavi@ri-khomeini.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق و اندیشه امام خمینی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
e-mail: m.banhashemi@gmail.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ دریافت و در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ مورد تأیید قرار گرفت.

جابه‌جایی پولی و مالی می‌انجامد که به نوبه خود، این نیز به گونه‌ها و روش‌های مختلفی انجام می‌شود که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت و از حیث فقهی بررسی خواهیم نمود.

البته آنچه در وهله اول به نظر می‌رسد این است که با وجود قانون جرایم اینترنتی که به بررسی این جرم‌ها پرداخته و احکام مربوط به آن را مفصلاً بیان داشته، بررسی فقهی آن، چندان ضروری نباشد. اما از آنجایی که این نوع جرایم غالباً با عنوان سرقت مورد بررسی قرار می‌گیرند که با مبحث سرقت فقهی و حکم و حد مربوط به آن - که قطع انگشتان دست سارق باشد - خلط گشته و منجر به نوعی پیش‌داوری یا سؤال در اذهان مخاطبین می‌گردد که چرا حکم محکم و قاطعی مانند حد سرقت در مورد چنین مجرمانی که از نظر حس ناامنی می‌توانند در میان جامعه بسیار مخرب باشند، جاری نمی‌گردد؟

لذا لازم دیدیم که از حیث فقهی به این مقوله پرداخته و این بزه با روش‌های نوین و امروزی را مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم تا ابعاد قضیه کاملاً روشن شده و مشخص گردد که آیا چنین مجازاتی می‌تواند در مورد این نوع جرایم در نظر گرفته شود یا خیر؟

البته ساحت دیگری هم در بررسی اینترنتی این جرم باید لحاظ گردد و آن اینکه در مواردی از این جرم محاکم و قضات محترم آن را نوعی کلاهبرداری تلقی کرده و حکم مربوط به آن را برای چنین مجرمانی در نظر می‌گیرند و حتی قانون جرایم رایانه‌ای هم هر دو را تحت یک عنوان آورده است (قانون جرایم رایانه‌ای، فصل سوم، ماده ۱۳). لذا لازم است که از این حیث نیز مرز میان سرقت رایانه‌ای و کلاهبرداری رایانه‌ای مشخص گردد.

در این مقاله به تشریح نوع عمل کردن مجرمان، تعریفی از سرقت فقهی و ویژگی‌های آن، و مقایسه این دو پرداخته شده و در نهایت مشخص می‌شود که آیا می‌توان بر چنین جرم‌هایی عنوان سرقت فقهی بار نمود یا خیر، و در فصل دوم مرز میان کلاهبرداری و دزدی و علت خلط آن دو بیان می‌شود.

مجرمان رایانه‌ای چگونه عمل می‌کنند؟

دزدی‌های مالی رایانه‌ای نوعاً به دو صورت انجام می‌گیرد. نوعی از آن، که عمده دزدی‌ها نیز به همین گونه است، عبارت است از سرقت کارت‌های اعتباری و شماره و رمزهای عبور کارت‌ها، یا از طریق کارت‌های جعلی که درصد بالایی از جرایم رایانه‌ای را شامل می‌شود.

نوع دیگر، سرقتی است که از طریق نفوذ غیر مجاز (هک) رایانه‌ای به بانک و جابجایی اموال به حساب فرد ثالثی که هویتی مجعول دارد انجام می‌شود و بدون اینکه از ماهیت عمل سارقان اطلاعی داشته باشد مورد بهره‌برداری سارقان قرار می‌گیرد.

این نوع دوم، به علت تخصص ویژه‌ای که می‌طلبد بسیار کمتر اتفاق می‌افتد ولی از نظر قدرت تخریبی که می‌تواند بر جای بگذارد، بسیار بیشتر از نوع اول است. چون نفوذ کننده (هکر) با ورود به سیستم رایانه‌ای بانک می‌تواند تمام حساب‌ها را دستخوش تغییر قرار داده و خالی نماید.

سرقت از منظر فقه

«سرقت» از نظر عموم مردم حتی خواص غیر فقیه، واژه‌ای عام است که هر نوع ربایش مالی را شامل می‌شود چنانچه در فرهنگ معین هم آن را مترادف معنی دزدی گرفته‌اند (معین ۱۳۷۷ ج ۲: ۱۸۶۹).

اما در زبان عربی نوعی از دزدی است که در خفا انجام می‌گیرد و این سری و در خفا بودن در ذات واژه «سَرَقَ» موجود است چنانچه در تعبیر قرآنی این واژه هم، همین معنا اراده شده است (راغب اصفهانی ۱۴۱۸: ذیل عنوان سرقت؛ طریحی ۱۴۰۳: ذیل عنوان سرقت).

اما از نظر فقه حتی از این هم محدودتر شده و تنها به نوعی دزدی که علاوه بر خفا و سری بودن ویژگی‌های خاص هم دارد، اطلاق می‌گردد که مجموع این ویژگی‌ها در جوامع روایی شیعه آمده است. از آن جمله در *وسائل‌الشیعه* حدود ۲۷۴ روایت و در *جامع‌احادیث‌شیعه* حدود ۲۷۶ روایت در این باب آمده است (حر عاملی ۱۳۹۲ ج ۱۸: ۵۳۱-۴۸۱؛ طباطبایی بروجردی ۱۴۲۹: ۸۶).

فقه‌های عظام در بحث از حدود به طور مستوفات به این ویژگی‌ها پرداخته‌اند که می‌توان به کتب فقهی معتبر چون *تحریرالوسیله*، *جواهرالکلام*، *الروضة البهیة* ... رجوع نمود. اما آنچه از مجموع این کتب به دست می‌آید خصوصیات است که می‌توان در ۲۵ مورد خلاصه نمود.

۱) مالیت شیء مسروقه (لذا مثلاً سرقت شراب چون مالیت ندارد موجب حد نیست)؛

۲) نصاب (که میزان آن معادل ربع دینار طلای خالص مسکوک و بالاتر است)؛

۳) نداشتن حق در مال مورد سرقت؛

۴) عدم شرکت سارق در مال مورد سرقت؛

۵) امانی نبودن مال مسروقه در دست سارق (لذا سرقت مال امانی حکم قطع به دنبال ندارد)؛

- ۶) مال مورد سرقت در حرز باشد (در مورد اینکه حرز چیست توضیح داده خواهد شد).
- ۷) دزدی پنهانی انجام شود.
- ۸) کسی که حرز را می‌شکند خود مباشرتاً مال مورد سرقت را از حرز خارج کند و اِلا اگر یکی حرز را بشکند و دیگری خارج کند، حد بر هیچ کدام جاری نمی‌شود (هر چند هر کدام بنا به صلاح‌حدید قاضی تعزیر می‌شوند).
- ۹) نبودن عنوان فریب؛
- ۱۰) عدم عنوان ابوت بین سارق و فرد مال‌باخته؛
- ۱۱) علم به حکم و موضوع؛
- ۱۲) تحقق مادی سرقت (تحقق همه شرایط سرقت به‌طور کامل)؛
- ۱۳) بلوغ به سن قانونی (غیربالغ تنها تعزیر می‌شود)؛
- ۱۴) اعتدال روانی سارق؛
- ۱۵) اختیار سارق (با اکراه و اجبار و اضطرار همراه نباشد)؛
- ۱۶) عدم اضطرار عمومی مانند بحران‌های اقتصادی، حوادث طبیعی مانند خشکسالی و بیماری‌های همه‌گیر و زلزله؛
- ۱۷) حصول مالکیت بر مال مسروقه از ناحیه سارق قبل از محاکمه موجب سقوط حد است.
- ۱۸) توبه سارق قبل از محاکمه موجب سقوط حد است.
- ۱۹) اگر سارق نزد حاکم اقرار به سرقت و متعاقباً توبه کند حد ساقط می‌شود (البته تعزیر می‌شود).
- ۲۰) ارباب موجب سقوط حد است (به‌گونه‌ای که اقرار او به‌خاطر ترس یا ضرب و شتم باشد).
- ۲۱) اثبات سرقت منوط به دوبار اقرار صریح سارق است و با یک‌بار اقرار تنها مال مسروقه از او اخذ می‌شود.
- ۲۲) در صورتی که اثبات سرقت مبتنی بر غیر اقرار متهم باشد، باید دو شاهد عادل با استناد به حس و بدون اختلاف در کم و کیف و زمان و مشخصات علیه وی ادای شهادت کنند.
- ۲۳) اجرای حد موقوف است به مطالبه مالک مال مسروقه.
- ۲۴) بر حاکم است تا می‌تواند متهم را از اقرار صریح به ارتکاب سرقت بازدارد. مثلاً عذرهایی را که محتمل است به او تلقین کند مثلاً بگوید شاید حکم سرقت را نمی‌دانستی؟

۲۵) عروض شبهه اعم از موضوعی یا حکمی در هر یک از ارکان سرقت موجب سقوط حد است. (ر.ک: امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۸۸۸-۸۸۲؛ جعفری ۱۴۱۹: ۱۳۰؛ شهیدثانی ۱۳۷۲ ج ۲: ۳۷۵؛ حر عاملی ۱۳۹۲ ج ۱۸: ۴۸۱؛ نجفی بی تا ج ۴۱: ۴۷۵).

مقایسه سرقت اینترنتی و سرقت فقهی:

حال که چگونگی سرقت رایانه‌ای را دانستیم و با ویژگی‌های سرقت فقهی هم آشنا شدیم متوجه می‌شویم که نکته اصلی مطلب دو چیز است؛ یعنی همه شرایط سرقت می‌تواند در دزدی اینترنتی هم تحقق پیدا کند مگر دو مورد که باید روشن شود که آیا این دو ویژگی در دزدی رایانه‌ای هم وجود دارد یا خیر؟

یکی در معنی حرز و اینکه آیا حساب‌های افراد حرز حساب می‌شود یا خیر؟ و دیگری در مسأله اخراج است. چون در روایات آمده و فقهای عظام، به طور خاص امام خمینی، روی این مطلب تأکید دارند که حتماً مال مورد سرقت باید از حرز خارج شود و این خروج هم حتماً توسط هاتک حرز انجام شود، حال یا مابشرتاً یا اگر به نحو تسبیب است، این سبب اقوی از مباشر باشد (مثل موردی که هاتک کودکی را مأمور بردن مال مورد سرقت به خارج می‌کند) (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۸۲).

آیا بانک و حساب‌های بانکی حرز است؟

برای درک درست مطلب و رسیدن به پاسخ صحیح ابتدا باید روشن شود که حرز چیست؟

حرز از نظر لغوی

در فرهنگ معین حرز به معنای جای استوار، پناهگاه، بهره، حظ، نصیب آمده است (معین ۱۳۷۷ ج ۱: ۱۳۴۸-۱۳۴۷).

در صحاح، مجمع‌البحرین، لسان‌العرب و تاج‌العروس از آن با عنوان «موضع الحصین» جایگاه استوار نام برده‌اند.

و در مصباح‌المنیر از آن با عنوان «المكان الذی یُحفظُ فیهِ»؛ جایی که در آن چیزی حفظ شود؛ نام برده است. لذا در کل می‌توان نتیجه گرفت از نظر لغوی حرز جایی است که انسان اشیای خود را

در آن قرار داده تا حفظ و نگهداری شود (جوهری ۱۴۱۰ ج ۳: ۷۸۳؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۵: ۳۳۳؛ مرتضی زبیدی ۱۴۱۴ ج ۸: ۴۴-۴۵؛ فیومی بی تاج ۲: ۱۲۹؛ طریحی ۱۴۰۳ ج ۴: ۱۵).

حرز از نظر فقهی

در مورد معنای حرز وقتی به کتب فقهی مراجعه می‌کنیم با این عبارت برخورد می‌کنیم که «لاتحدید فی الشرع للحرز المعتبر فی القطع نصاً و فتوی بل اجماعاً بقسمیه» (نجفی بی تاج ۴۱: ۴۹۹).

در شرع برای حرزی که معتبر است در اجرای حد سرقت تعریف مشخصی وجود ندارد نه در نصوص و نه در فتاوی فقها و در این مورد اجماع است. لذا علما حرز و میزان و حدود و ثغور آن را به عرف واگذار کرده‌اند. البته بعضی از علما خواسته‌اند که تعریف کامل و جامعی برای حرز ارائه دهند: از آن جمله مثلاً شیخ در *نهایه* فرموده‌اند: «والحرز هو کُلّ موضع لم یکن لِغیر المتصرف فیه الدخول الیه الاً بأذنه، أو یکون مقفلاً علیه او مدفوناً...» (شیخ طوسی ۱۴۰۰: ۴۱۷).

طبق تعریف ابن زهره در *تغنیه*، که آن را به اصحاب نسبت می‌دهند، حرز عبارت است از: «هر موضعی که جز مالک و یا مالک در تصرف، کسی حق دخول در آن را ندارد مگر با اجازه مالک» (ابن زهره ۱۴۱۷: ۴۳۰)؛ و حتی بنا بر قول صاحب *جواهر*، در *مبسوط و التبیان و الغنیه و کنز العرفان* این قول به علمای شیعه نسبت داده شده و در *کنز العرفان* در مورد این تعریف ادعای اجماع کرده‌اند (نجفی بی تاج ۴۱: ۴۹۹) ولی علما و از جمله آنها امام خمینی، شهید ثانی و صاحب *جواهر* ایراداتی به این تعریف گرفته‌اند (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۸۴-۸۸۵؛ نجفی بی تاج ۴۱: ۴۹۹؛ شهید ثانی ۱۳۷۲ ج ۲: ۳۷۹).
تعریف دیگری صاحب *ریاض* از بعضی از علما نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه حرز جایی است که سارق برای دزدی از آنجا احساس خطر کند (طباطبایی کربلایی بی تاج ۲: ۴۸۹) که شهید ثانی با عنوان «قیل» در *الروضه البهیة* ... آورده‌اند و سپس آن را هم با یک مورد، که آن خانه‌ای است که درهایش باز است و در میان آبادی است و صاحب آن هم نیست به‌عنوان مورد نقضی، رد کرده‌اند (شهید ثانی ۱۳۷۲ ج ۲: ۳۷۹).

لذا در کل می‌توان گفت که مرجع در حرز عرف است چنانچه کسانی مثل شیخ بعد از تعریفی که ذکر می‌کنند اذعان می‌دارند که مسأله عرفی است (شیخ طوسی ۱۴۰۰: ۴۱۷) و حتی مواردی را هم که علما در کتب فقهی آورده‌اند و روی حرز بودن یا نبودن آن بحث کرده‌اند، بیشتر بحث‌ها به

این برمی گردد که عرف آن را حرز می داند یا خیر و چه بسا جایی در نظر عرف حرز بوده و گروهی آن را حرز نمی دانسته و همین اختلاف عرف به اختلاف تعبیر علما هم سرایت کرده است.

حرز از نظر امام خمینی:

امام خمینی در *تحریر الوسیله* برای حرز تعریفی ذکر نکرده و آن را به عرف واگذار کرده اند و صرفاً مثال هایی ذکر کرده اند. مثل اینکه «در جایی باشد که قفل دارد یا بسته شده است یا مدفون در خاک باشد یا مثلاً مالک از نظر آن را پنهان کرده باشد مثل زیر فرش یا داخل کتابی یا مانند آن که عرفاً حرز به حساب بیاید و حتی فرموده اند «اگر چیزی آشکار باشد ولی در جایی باشد که بدون اذن مالک نمی توان به آنجا وارد شد حال اگر فردی این شیء ظاهر را دزدید حد قطع در مورد او جاری نمی شود که این برخلاف تعریف شیخ از حرز است (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۸۴-۸۸۵).

در نهایت صاحب *جوهر* و امام و شهید ثانی فرموده اند که چون مرجع عرف است لذا چه بسا چیزی برای یک شیء حرز محسوب شود ولی برای شیء دیگر حرز به حساب نیاید. البته در مورد بعضی از اشیاء روایاتی داریم که در مورد حرز بودن یا نبودن آنها بحث می کنند؛ مثلاً در مورد درختان و میوه آنها و درخت نخل یا در مورد ربودن مال از جیب ظاهر و باطن و مواردی از این قبیل که مورد بحث علما قرار گرفته؛ ولی در مورد اشیایی غیر از آنچه در روایات آمده قطعاً می توان گفت مرجع عرف است و اگر عرف چیزی را حرز دانست دزدی از آن حد سرقت دارد و اگر عرف آن را حرز ندانست یا در حرز بودن آن تردید کرد قطعاً حکم قطع دست برداشته می شود که در مورد تردید از باب قاعده درء الحد خواهد بود. حتی در استفتائات جدید که از علما در این مورد شده ملاک را عرف دانسته اند و به آن رجوع داده اند (فاضل لنکرانی ۱۳۸۶ ج ۱ و ۲: ۳۶۴).

حال به سؤال اول باز می گردیم که آیا بانک و حساب های بانکی حرز حساب می شود یا خیر؟ گفتیم که تحقق عنوان حرز به عرف جامعه ارجاع داده شده است. و وقتی به عرف امروز مراجعه می کنیم، می بینیم یکی از دلایل مردم برای گذاشتن پول هایشان در بانک، که در مورد بسیاری از افراد هم صدق می کند، مسأله امنیت بانک هاست؛ یعنی مردم به بانک ها به عنوان جایی که از پول هایشان حفاظت می کند نگاه می کنند و آن را مانند صندوقی مطمئن برای دارایی خود می دانند

لذا می‌توان به آن به‌عنوان حرز نگریست و اصولاً جدا کردن عنوان حرز از بانک مشکل است، نه صدق عنوان حرز، به‌خصوص که در بانک‌ها هر حساب برای خود رمزی دارد که به‌عنوان کلید و قفلی برای هر حساب می‌باشد و فردی که به این رمز دست پیدا می‌کند یا کارت را، که به‌عنوان کلید برای هر حساب است، می‌رباید و یا به‌طریقی با استفاده از کارت‌های جعلی به حساب‌های افراد نفوذ می‌کند گویی که این قفل و کلید را شکسته و حرز را هتک کرده است.

منظور از اخراج چیست؟ آیا اخراج فیزیکی است یا اخراج اعتباری را هم شامل می‌شود؟

اما در مورد مسأله دوم که مسأله اخراج باشد، آنچه در کتب فقهی به آن پرداخته شده اخراج محسوس و فیزیکی است و در مورد اخراج اعتباری موردی یافت نشد. تنها موردی که شائبه خروج اعتباری را داشت موردی بود که سارق مال مسروقه را می‌بلعد. در این مورد امام می‌فرمایند: اگر مانند غذا از بین برود حد جاری نمی‌شود (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۸۹ م ۸) ولی حقیقت امر این است که در این حالت آنچه خارج می‌شود دیگر خوراکی نیست نه اینکه به اخراج خدشه‌ای وارد شده باشد و لذا بعد از آن می‌فرمایند: اگر آنچه بلعیده از شکمش بدون سختی خارج شود - ولو بر اساس عادت او - و او با این حال از حرز خارج گردد پس در قطع و عدم آن دو وجه است که شبه آنها قطع است (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۸۹ م ۸).

البته وقتی به‌مواردی که فقها به‌عنوان مثال ذکر می‌کنند مراجعه می‌شود می‌توان نتیجه گرفت همان‌گونه که خود حرز امری عرفی است اخراج هم امری عرفی است و بستگی تام به خود حرز دارد چه اینکه مثلاً در مورد دزدی میهمان عنوان می‌کنند میهمان چون با اذن صاحبخانه وارد می‌شود لذا خانه برای او حرز نیست ولی جاهای مخفی خانه و مثلاً صندوق یا کمد های قفل شده برای او حرز است (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۸۳ م ۷).

حال اگر او شیء را از کمد یا صندوق، مخفیانه و سرّاً خارج کند ولو اینکه از خانه خارج نکرده چون حرز برای او خود صندوق بوده لذا اخراج صادق است ولی اگر فرد غیر میهمان وارد خانه شود تا مادامی که شیء را از خانه خارج نکرده اخراج صدق نمی‌کند یا مثلاً بهجت می‌فرمایند که سارق اگر پول را از صندوق خارج کند و در حیاط خانه دستگیر شود اخراج از حرز صادق است چون حرز پول، صندوق است نه خانه (بهجت ۱۴۲۸ ج ۴: ۴۶۷).

در این مورد هم هر حساب می‌تواند یک حرز محسوب شود چون هر حساب بانکی رمز ورود و شماره حساب مخصوص به خود را دارد؛ لذا وقتی سارق این حرز را می‌شکند (البته با کشف رمز یا هک رایانه‌ای) و وارد حساب می‌شود و مقداری وجه را از این حساب به حساب دیگری وارد می‌کند همانند این است که آن مقدار پول را از حرزی خارج و به حرز دیگری وارد کرده است. از آنجایی که خروج فیزیکی تا وقتی که پول توسط سارق از حساب مورد نظر برداشت نشده اتفاق نیفتاده و صرفاً پول از حسابی به حساب مورد نظر سارق داخل شده است؛ لذا در اینجا باید روشن شود که آیا خروج محقق شده است یا خیر؟ البته این شبهه در حالی است که دزد بعد از ورود و نفوذ به حساب فردی مبلغی را به حساب مورد نظر خود واریز کرده باشد و آلا اگر از طریق کارت‌های سرقتی یا جعلی و از طریق خودپردازها، پول برداشت شده باشد قطعاً خروج تحقق پیدا کرده است.

بنابراین مسأله اخراج تنها در صورتی مورد سؤال و مناقشه است که دزدی از طریق هک رایانه‌ای اتفاق افتاده باشد. در این حالت، تا زمانی که نمی‌دانیم خروج اعتباری از مصادیق اخراج مورد نظر در فقه است یا خیر نمی‌توان آن را محقق دانست. (از باب عدم امکان رجوع به عام در شبهات مصادیقی) علاوه بر اینکه خود وجود شبهه، موضوعی برای قاعده درء‌الحد، و برداشتن حد قطع در این نوع دزدی می‌شود.

تفاوت دزدی اینترنتی و کلاهبرداری اینترنتی:

در اینجا لازم است که به یک شبهه که غالباً وجود دارد پاسخ داده شود. و آن تفاوت دزدی و کلاهبرداری اینترنتی است. در نوع سنتی این جرائم تفاوت بسیار روشن است؛ زیرا آنچه در تحقق عنوان کلاهبرداری مهم است، تحصیل مال دیگران به روشی متقلبانه است، یعنی هر چند در مثلاً جرم دزدی یا خیانت در امانت نیز بحث بردن مال غیر مطرح است ولی در جرم کلاهبرداری بردن مال غیر با انجام عملیات متقلبانه صورت می‌پذیرد و در واقع به خاطر اغفال، صاحب مال را به کلاهبردار می‌دهد (بوشهری ۱۳۸۷: ۲۰۴-۱۹۳). البته ممکن است خود صاحب مال را به او ندهد بلکه امین صاحب مال یا وکیل مال را به او بدهد.

در تعریف فقهی این جرم هم که با عنوان احتیال نام برده می‌شود این مسأله کاملاً لحاظ شده است. چه اینکه در تعریف آن فقها چنین آورده‌اند که «المُحتال علی اموال الناس بالمکر و الخدیعة

و تزویر الکتب و شهادت الزور و الرسالات الکاذبه و غیرذلک» (شیخ مفید ۱۴۱۳: ۸۰۵؛ شیخ طوسی ۱۴۰۰ ج ۲: ۷۲۱؛ ابن ادریس ۱۴۱۰ ج ۳: ۵۱۳؛ علامه حلی ۱۴۲۰ ج ۵: ۳۸۳).

یعنی محتال کسی است که با فریب و نیرنگ و سندهای جعلی و گواهی دروغ و نامه‌های دروغی و افعالی مانند این، اموال مردم را می‌برد.

و این تعریف و مشابه آن را همه علمای از متقدمین مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق حلی و ابن ادریس و سلار و ... تا علمای متأخر چون امام خمینی و ... در کتب خود آورده‌اند و می‌توان به کتب فقهی چون *المقنعه، المهدب، النهایه، المراسم و السرائر و تحریرالوسیله* ... مراجعه نمود (ابن براج ۱۴۰۶ ج ۲: ۵۵۴؛ محقق حلی ۱۴۰۸ ج ۴: ۱۶۹؛ سلاردیلمی ۱۴۰۴: ۲۵۹؛ امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۸۹۱ م ۱۲).

نکته مهم و به اصطلاح محل اشکال اینجاست که در دزدی‌های شبکه‌ای (اینترنتی) و رایانه‌ای، در واقع کسی که توانسته به سیستم‌ها و شبکه‌ها وارد شود، با دستکاری داده‌ها نوعی سندسازی و جعل انجام می‌دهد؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در حسابش مقداری پول وارد شده بدان معنی که سارق نفوذکننده به سیستم، کدهای ورود اطلاعات را پیدا کرده و داده خود ساخته را جایگزین می‌کند. تغییر در اطلاعات یکی از مهم‌ترین نوع حمله به شمار می‌رود. کاربرد اطلاعات تغییر یافته را دریافت می‌کند و بدون اطلاع از تغییر آنها را مورد کاربری قرار می‌دهد (محبوبی ۱۳۸۱: ۱۱-۱۲).

لذا ما می‌بینیم در بسیاری مواقع در تعاریف بین کلاهبرداری و دزدی اینترنتی تفاوتی قائل نشده‌اند حتی در قانون جرایم رایانه‌ای فصل سوم ماده سیزده هر دو را تحت یک عنوان و با یک نوع مجازات آورده است.

چنانچه در استفتائاتی که از بهجت شده است، ایشان (در مورد حکم سرقت‌های الکترونیکی اعم از اطلاعات و پول؛ توسط اینترنت و کامپیوتر و موبایل) فرموده‌اند: «مورد اجرای حد نیست مگر صدق احراز قطعی باشد، نه مستند به احتیال سارق بدون صدق احراز» (بهجت ۱۴۲۸ ج ۴: ۴۵۰) و سیستمی حد را جاری نمی‌دانند.

نتیجه

در سرقت‌های مالی رایانه‌ای ما با دو نوع عملیات مواجه هستیم:

نوعی که از طریق نفوذ غیر مجاز شبکه‌ای (هک اینترنتی) جابه‌جایی پول انجام می‌شود. در این حالت نفوذکننده از حساب فرد یا افراد مورد نظر مبلغی به حساب ثالث واریز می‌کنند. در این حالت چون مسأله اخراج مورد نظر فقه مشکوک است، اگر بتوان آن را سرقت دانست؛ از باب قاعده درء‌الحد، حد قطع جاری نمی‌شود. علاوه بر اینکه چون مجرم با ارائه یک سند جعلی که از طریق نفوذ غیر مجاز درست کرده وانمود می‌کند که در حسابش پولی وارد شده و از طریق کارمندان بانک که حکم امنای صاحبان حساب را دارند، مبلغ را دریافت می‌کند و به این وسیله در مال دیگران با عملیاتی به ظاهر درست ولی متقلبانه و جعلی تصرف می‌کند. لذا اصلاً سرقتی واقع نشده و نوعی کلاهبرداری محسوب می‌شود که حد قطع ندارد.

نوع دیگر از عملیات ربایش در مواردی است که با کارت‌های اعتباری دزدی یا تقلبی و جعلی از حساب دیگران بدون مراجعه به بانک برداشت می‌شود چون در واقع در اینجا فرد مختار و عاقلی نیست که مورد عملیات متقلبانه واقع شود و صرفاً دستگاه به‌عنوان یک ابزار، بدون اینکه اراده‌ای آزاد حد وسط قرار گیرد پول را در اختیار سارق قرار می‌دهد گویی که او با کلید دزدی یا کلیدی که از روی کلید اصلی ساخته شده پول را از صندوق برمی‌دارد؛ لذا در این حالت سرقت روی داده است و حد جاری می‌شود.

منابع

- ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق) *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ دوم.
- ابن‌برآج، عبدالعزیز بن‌نحیر. (۱۴۰۶ق) *المهدب*، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن‌زهره، حمزة بن‌علی. (۱۴۱۷ق) *غنیة النزوع فی علمی الاصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق^(ع)، چاپ اول.
- ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم. (۱۴۱۴ق) *لسان‌العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- بوشهری، جعفر. (۱۳۸۷) *حقوق جزا: اصول و مسائل*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- بهجت، محمد تقی. (۱۴۲۸ق) *استفتائات*، قم: دفتر معظم‌له، چاپ اول.

- جعفری، محمد تقی. (۱۴۱۹ق) *رسائل فقهی*، تهران: مؤسسه منشورات کرامت، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق) *الصاحح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۲ق) *وسائل الشیعه*، تصحیح شیخ محمد رازی، تهران: مکتبه اسلامیة، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۸ق) *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق) *المراسم العلویة فی الاحکام النبویة*، تحقیق محمود بستانی، قم: منشورات حریمین، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۷۲) *الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة*، قم: مکتب الاعلام اسلامی، چاپ هفتم.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق) *النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی*، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم.
- شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۴۱۳ق) *المقننه*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
- طباطبایی بروجردی، حسین. (۱۴۲۹ق) *جامع الاحادیث الشیعه*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی. (بی تا) *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۳ق) *مجمع البحرین*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰هـ ق) *تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه*، مصحح ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۶) *جامع المسائل (فارسی)*، قم: انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم.
- فیومی، احمد بن محمد. (بی تا) *مصباح المنیر*، قم: منشورات دارالرضی، چاپ اول.
- محبوبی، فرخ. (۱۳۸۱) *دانش آموز نفوذگر*، تهران: انتشارات ناقوس، چاپ اول.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق) *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، با تصحیح عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق) *تاج العروس من جواهر القاموس*، با تصحیح علی شیری، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
- معین، محمد. (۱۳۷۷) *فرهنگ فارسی* (۶ جلدی)، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوازدهم.
- نجفی، محمد حسن. (بی تا) *جواهر الکلام*، تعلیق محمد قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.